




شناخت ویژگی‌های هنر و تمدن ایرانی در شهر گور ساسانی (۲۲۴م-۱۳۰۰م)

ابوذر خسروی^۱ 

^۱ استادیار، دانشگاه سلمان فارسی، کازرون، ایران. khosravi_abozar@yahoo.com

چکیده

شهر آخرین مرحله گسترش محیط زیست اولیه انسان شمرده می‌شود. شهرها تبلور نظام‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی دوران خود هستند. شهرهای موجود در ایران سیر متنوعی را از نظر شکل‌گیری پشت سر گذاشته‌اند. بررسی پیشینه شهرسازی در ایران به عهد باستان می‌رسد. امروزه آثار از برخی از این شهرها برجای مانده است. شهر گور که ایجاد آن به دوره ساسانی می‌رسد یکی از این شهرهاست. شهر گور نمادی از تبلور و بروز نتایج روح انسان‌ها و عملکرد گردهمائی اجتماع ایرانی در شکل‌گیری و ساماندهی یکی از فضاهای مهم شهری در ایران اوایل عصر ساسانی است. شهر گور، نخستین شهری است که ساسانیان بنیان نهاده‌اند. مسئله‌ای که اینجا مطرح است امکان بازشناسی هنر و تمدن عصر ساسانی به واسطه بررسی این شهر تاریخی است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات در این مقاله، کتابخانه‌ای و تحلیل اسنادی است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که سیمای شهر گور؛ گویای شخصیت، سرنوشت و گذر تحولات تاریخی بر مردم این سرزمین است و شناخت آن در شاکله فرهنگ و تمدن ایران عصر ساسانی قابل تأمل است. شناخت شهر گور، صرفاً شناخت یک جغرافیا نیست؛ بلکه بازشناخت ارزش‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، هنر و معماری برشی از تاریخ است که از ذهنیت به عینیت درآمده و در قالب زیستگاه مردمی، شبکه‌بندی‌ها، خیابان‌ها، اماکن عمومی، آتشکده و رصدخانه مجسم شده است.

اهداف پژوهش:

۱. بازشناسی شهر گور به عنوان یک شهر باستانی.

۲. مطالعه و بررسی عناصر هنر و تمدن عصر ساسانی در شهر گور.

سؤالات پژوهش:

۱. شهر گور به عنوان یک شهر باستانی دارای چه مختصاتی است؟

۲. هنر و تمدن عصر ساسانی چه بازتابی در شهر گور دارد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۰

دوره ۱۷

صفحه ۱۲۶ الی ۱۴۲

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۰۷/۲۳

تاریخ داوری: ۱۳۹۸/۰۹/۲۳

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

شهر گور،
فیروزآباد،
شهرهای ساسانی،
هنر و تمدن.

ارجاع به این مقاله

خسروی، ابوذر. (۱۳۹۹). شناخت ویژگی‌های هنر و تمدن ایرانی در شهر گور ساسانی (۲۲۴م-۱۳۰۰م). هنر اسلامی، ۱۷(۴۰)، ۱۲۶-۱۴۲.



[dori.net/dor/20.1001.1
1735708.1399.17.40.8.8/](https://doi.org/10.22034/IAS.2020.211783.1110)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2020.211783.1110/](https://doi.org/10.22034/IAS.2020.211783.1110)

مقدمه

ساسانیان در یک مقطع طولانی از تاریخ ایران در دوره باستان بر ایران حکومت داشتند و در این مدت استان فارس تبدیل به پایتخت اصلی آن‌ها گردید. در این مدت شهر گور نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و این اهمیت در دوره اسلامی نیز استمرار یافت. این شهر در طول دوره حیات خود رویدادهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. وقایع سیاسی همیشه در محیط جغرافیایی اتفاق می‌افتد و عوامل جغرافیایی ممکن است که بر روند وقایع تأثیر بگذارد، اما همیشه انسان است که نقش مهمی در وقایع سیاسی دارد. نظر به این که تفسیرهای تک بُعدی تاریخ برای تشریح کامل رفتار و عملکرد انسان، رسا و راضی‌کننده نیستند، شناخت جغرافیای تاریخی که موضوع آن، مطالعه تأثیر مکان بر سرنوشت تاریخ و تمدن است، ضرورت می‌یابد. شهر گور به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای دوره ساسانی از تمدنی کهن و میراث فرهنگی درخشان برخوردار بود. رونق این شهر از دوره ساسانیان آغاز شده و تا دوره آل‌بویه ادامه داشته است؛ لذا با توجه به این مطلب هدف پژوهش حاضر این است که با کمک گرفتن از اطلاعات ارائه شده توسط مورخان و جغرافی‌نویسان از یک طرف و داده‌های باستان‌شناختی سال‌های اخیر از طرف دیگر، جایگاه و نقش شهر گور را به‌عنوان یکی از بسترهای اصلی میراث کهن ایران زمین، که فراتر از مرزهای جغرافیایی آن زمان گسترش یافت، مورد بررسی قرار دهد.

درخصوص پیشینه تحقیق حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. با این حال تحقیقات متعددی درخصوص شهر گور به نوشته شده است. از میان تحقیقات ادوار اخیر می‌توان اطلاعات ارزنده‌ای از شهر اردشیر خوره استخراج کرد. از جمله کسانی که گزارش‌های ارزنده‌ای از مشاهدات خود ارائه نموده‌اند می‌توان به اقدامات باستان‌شناختی دیتریش هوف (۱۳۶۶) و همچنین «بررسی سیستماتیک شهر اردشیرخوره» نوشته منتظر ظهوری (۱۳۹۳) اشاره کرد. در این دو اثر، شهر گور به‌صورت کوتاه و مختصر بررسی شده است. مقاله دیگری با عنوان «بررسی و تحلیل تخت نشین شهر گور؛ بنایی نه‌گند با کارکرد تشریفاتی» توسط جودکی و همکاران (۱۳۹۶) به رشته تحریر در آمده است. در این اثر به بحث معماری این شهر پرداخته شده است. اهمیت اساسی پژوهش حاضر این است که در آن تلاش شده با بیان جغرافیای تاریخی شهر گور، پویایی‌ها، پیدایش‌ها و صورت‌بندی‌های تاریخ و جغرافیا را به موازات یکدیگر و در کنش متقابل با یکدیگر مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای و تحلیل اسنادی انجام گردید تا بتواند زوایای پنهان تمدنی شهر گور را در گستره تاریخ ایران روشن سازد.

۱. وجه تسمیه گور در متون تاریخی

مطالعه و بررسی نام‌واژه «گور» نشان می‌دهد که گور در فرهنگ لغت به معنای کهن‌سال است و این شهر در طول تاریخ به نام‌های گوناگونی خوانده شده است؛ از جمله اردشیرخوره، جور و فیروزآباد. در مختصرالبلدان این‌گونه آمده است که اردشیر، شهر گور را در فارس بنیاد نهاد (ابن‌فقیه، ۱۳۴۷: ۱۱). نویسنده مجمل‌التواریخ معتقد است که اردشیرخوره همان فیروزآباد و نامی است که اردشیر بر آن گذاشته است و پیش از آن نامش گور بوده است. «اردشیر همت به عمارت عالم کرد. یکی اردشیرخوره خواند و آن پیروزآباد است از پارس و پیش از آن گور خوانندی و گور و گار دو نام است از گو (از پشته و گودال) و کنده نه چنان گور که مردمان را کنند که در آن وقت پارسیان را نوس بود. گور خود ندانستندی» (مجم‌التواریخ و القصص، ۱۳۷۹: ۶۱). تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیا نیز این مطلب را تأیید می‌کند و می‌نویسد: «و اما اردشیرخوره فهی مدینه فیروزآباد من ارض فارس و کانت تسمی کور و کوراسمان للوحدَه و الحضرة لا للقبرهو للحد و الفرس لم تعرف القبور و انما کانت تغیب الموتی فی الدهمات و النواویس ثم علی بن بویه اسمها الی فیروزآباد» (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶: ۳۴۷). در یشت‌ها نیز اردشیرخوره با نام شهر گور معرفی شده است (پورداوود، ۱۳۷۷: ۳۱۱). ابن‌بلخی اردشیرخوره را معادل فیروزآباد نمی‌داند و می‌گوید: از آثار او آن است که به پارس یک کوره ساخته است، آن را اردشیرخوره گویند و فیروزآباد از آن جمله است (ابن‌بلخی، ۱۳۶۳: ۱۷۱).

مؤلف کتاب شمس و طغری از قول سعدی گور را نامی می‌داند که اردشیر به شهر فیروزآباد داده است و حتی در این باره دلیل نام‌گذاری آن را هم بیان می‌کند: «اردشیر پس از آن که شهر به وسیله اسکندر در آب غرق شده بود، دستور داد مجرای قدیم آب را از سنگ و خاک خالی کردند، آب کم‌کم جاری شد و دشت خشک گردید. چون گور در لغت فرس به معنی دشت است و آن دشت از زیر آب پیدا شد، آنجا را گور نامیدند و پس از آن که اعراب این ناحیه را فتح نمودند، نام آن را معرب کرده جور گفتند» (خسروی، ۱۳۷۴: ۱۰۹). فارسنامه‌ی ناصری نیز همین تعبیر را دارد: «اردشیر بابکان بفرمود تا راه آب را گشوده دریا را صحرا نمودند، پس نام آن را گور گذاشت، برای آنکه دریا را صحرا نمود و گور به معنی دشت باشد و اعراب گور را جور گفتند» (فسایی، ۱۳۶۷: ۱۴۱۸). آثار عجم نیز چنین می‌نویسد: «بعضی نوشته‌اند، فیروز، شاه ساسانی، جد انوشیروان، در ایام سلطنت خود شهر گور را مرمت نمود و بر آن عمارتی افزود. لذا گور را از آن شهر برداشته و به رسم خود فیروزآبادش خواند» (شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۱۳). فارسنامه درباره تغییر نام شهر از جور به فیروزآباد معتقد است که پس از مدتی شاه فیروز ساسانی، نام این بلوک را فیروزآباد گذاشت و گور نام این شهر باقی بماند. مشهور است که امیر عضدالدوله دیلمی در سال چندین بار از شیراز به شهر گور می‌رفت. ظرفای شیراز گفتند: هر آدمی یک بار به گور رفته و بر نمی‌گردد و پادشاه ما سالی چندین بار به گور رفته، زنده بازگردد و این سخن برای این است که گور به معنی قبر هم باشد و عضدالدوله فرمود هر کس بعد از این، این شهر و بلوک را گور بگوید به مؤاخذه خواهد رسید باید شهر و بلوک را فیروزآباد گویند و تاکنون فیروزآباد گویند (فسایی، ۱۳۶۷: ۱۴۱۹).

ابراهیم پورداوود در یشت‌ها می‌نویسد که مطابق لغت اوستایی خورنه، دو لغت مصطلح فارسی، که فرر و فره باشد، اولی نزدیک است به لهجه فرس هخامنشی و دومی به لهجه‌ی اوستایی. در کتب پهلوی، به‌جای کلمه فر، چنان‌که از برای بسیاری از کلمات، هزاروش یک کلمه سامی استعمال شده «گدمن» (Gadman) گفته‌اند، گدمن از لغات آرامی است به معنای مجد و جلال و شکوه در کارنامک اردشیر بابکان (فصل ۷ فقرات ۹-۶) آمده: «اما چون گدمن کیان (فر کیانی) با ارتخشیر (اردشیر) بود ارتخشیر پیروزیافت، او اردوان را کشت. او شهری ساخت مشهور به ارتخشیر گدمن (اردشیر خره) و در آن جا دریاچه «ور» در اوستا «وئیری» کند از آن آب را با چهار جوی روان ساخت و آتشکده برپا نمود (پورداوود، ۱۳۷۷: ۳۱۳-۳۱۴). یاقوت حموی، نظری متفاوت از دیگران دارد و می‌نویسد: «در هجوم تازیان شهر گور سال‌ها در محاصره بود و مردم آن شهر برای نگاهداری مرز و زادگاه خویش مدت‌ها دلیرانه پایداری نمودند. اما پس از سال‌ها ایستادگی به‌واسطه نداشتن خوراکو خواربار پایداری‌شان شکسته شد و شهر به دست تازیان افتاد و نام آن را معرب ساخته جور گفتند و عضالدوله از پادشاهان آل‌بویه که در تشیید اصول ملی ایرانی خدمات بزرگی انجام داده، برای اینکه عمل تازیان را در نام‌گذاری این شهر به جور ملغی کرده باشد، نام آن را به فیروزآباد مبدل ساخت» (حموی، ۱۳۷۵: ۶۳). در مجموع از نوشته‌های متفاوت و گاهاً متضاد بالا چنین مستفاد می‌شود که شهر گور مرکز ایالت اردشیرخوره و اردشیرخوره، معادل شهرستان کنونی بوده است. این شهر در دوره اردشیر، گور نام داشته و در دوره پیروز شاه ساسانی دوباره احیاء می‌شود. پس از فتح گور توسط اعراب، نام آن معرب و به جور مبدل می‌شود. در دوره‌ی عضالدوله دیلمی، که علاقه خاصی به گذشته‌ی باستانی ایران داشت و درصدد احیاء آئین نیاکان بود، نام شهر به فیروزآباد، نام‌گذاری می‌شود.

بررسی سیر تحول شهر گور نشان می‌دهد که شهرها نیز همانند انسان‌ها، سرگذشت قابل‌تأملی دارند، که بررسی و پژوهش درباره هر یک از آنان معرف اوضاع گوناگون آن زمانه همچون وضع اقتصادی، مذهبی و نظامی بوده و زوال و نابودی آن نیز همانند توسعه و گسترش آن، نیاز به مطالعه دارد (کیانی، ۱۳۷۵: ۲۸۲). شرایط زیست‌محیطی در منطقه‌ی فیروزآباد از دوران پیش‌ازتاریخ تاکنون به‌گونه‌ای بوده که به‌شکل‌گیری فرهنگ‌های مهمی در این دشت انجامیده است که به‌نوبه خود بر دیگر مراکز فرهنگی تأثیرگذار بوده است. داده‌های باستان‌شناختی که در بررسی سفال‌های سطحی این دشت به‌دست آمده، از پیشینه‌ی طولانی سکونت در این دشت حکایت می‌کند (نوروزی، ۱۳۸۴: ۲۹۸). تا پیش از پیدایش بخشی از تاریخ مستند ایران توسط اردشیر در دشت فیروزآباد، منابع ما سفال‌های پراکنده و روایات تاریخی است که گاه نیز با افسانه‌ها درآمیخته است.

در منابع دوره‌ی اسلامی درباره پیشینه‌ی تاریخی این شهر از دوره‌های پیشدادی و کیانی سخن به میان آمده است. منابع تاریخی همچون آثار عجم و بستان‌السیاحه، از گشتاسب بن لهراسپ به‌عنوان نخستین بانی شهر یاد می‌کنند و می‌نویسند: «پس از آن که اسکندر رومی بدان آب بسته و آن را خراب نموده، بعدها اردشیر بابکان شهر را آباد ساخته و فیروزشاه جد انوشیروان نیز بر آن عمارت افزوده است» (شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۱؛ شیروانی، بی‌تا: ۴۰۴). لویی واندنبرگ می‌نویسد: «این شهر به دستور اردشیر پیش از رسیدن به پادشاهی ساخته شده بود» (واندنبرگ، ۱۳۷۹: ۴۹). این روایت

در کنار سفال‌های به‌دست‌آمده، مؤید این مطلب است که گور پیش از اردشیر نیز تا حمله‌ی اسکندر مسکونی بوده است. از حمله اسکندر تا اواخر دوره پارتی این شهر به باتلاق تبدیل شده و به منطقه‌ای گور مانند (جای گودی که آب آن را گرفته باشد) تبدیل شده است.

ابن بلخی نیز در مورد شهر گور شرح مفصلی به یادگار گذاشته است «فیروزآباد در روزگار کیانیان شهری بزرگ بود و حصاری عظیم داشت، چون اسکندر به‌طرف فارس آمد، سعی کرد تا آن را مسخر گرداند و ممکن نشد؛ رودخانه‌ای بود در حوالی شهر، ذوالقرنین حکم فرمود تا آب رودخانه را از سرچشمه به‌طرف شهر تغییر دادند و آب به شهر انداخت. سال‌ها آن منطقه دریایی بود تا اردشیر بابکان به آنجا آمد و تصمیم گرفت آن منطقه را از آب خشک نماید و شهری بر آن جا بسازد. اردشیر، شهر فیروزآباد را در دشت هموار با طرحی مدور بنا کرد» (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۳۳۲؛ استخری، ۱۳۶۸: ۱۰۸). این امر بیانگر روحیه سلطه‌گری و غلبه آدمی بر طبیعت و موجودات پیرامون خویش است که گذشته از تأمین نیازهای اساسی نظیر گرسنگی در ضمیر ناخودآگاه خود می‌خواهد برتری خود را به‌عنوان موجود قدرتمند به اثبات برساند.

مختصرالبلدان با کمی اختلاف درباره تأسیس شهر چنین می‌گوید: «اردشیر جور را در فارس بنا کرد. آن موضع قبلاً دشت بود. وی از آنجا گذشت و امر به ساختن شهری کرد و نام آن را اردشیرخوره گذاشت. اعراب آن را جور نامیدند. شهر مطابق نمونه‌ی دارابگرد ساخته شد. علاوه بر این در آنجا آتشکده‌ای بنا کرد» (ابن فقیه، ۱۳۴۷: ۱۱). در دائرةالمعارف فارسی آمده است که جور را اردشیر بابکان در محل پیروزی‌اش بر اردوان پنجم اشکانی بنا نهاد (دائرةالمعارف (مصاحب)، ۱۳۹۲: ۸۷۲). هوف می‌گوید: «حاصل این جنگ در نقش برجسته عظیمی که در تنگاب فیروزآباد بر دامن کوه نقش بسته، نشان داده شده است» (هوف، ۱۳۶۶: ۷۶). اگرچه سخن هوف درست است و اردشیر اردوان پنجم را در این ناحیه شکست داده و نگاره‌ای از صحنه پیروزی خود به یادگار گذاشته است، اما این شهر خیلی پیش‌تر، در اواخر دوره اشکانی توسط اردشیر بنا شده بود و منابع تاریخی ساخت این شهر را دلیل اصلی تیره شدن روابط شاه اشکانی با اردشیر، که یک حاکم محلی بیش نبود، می‌دانند. لذا عظمت و شکوه این شهر و از طرفی بنیاد گزاری‌اش توسط یک حاکم محلی از طرف اردوان پنجم، خلاف عرف معمول و نشانه جاه‌طلبی اردشیر تلقی شد. البته نکته مهمی که باید به آن توجه نمود این است که الگوی ساخت شهرهای دایره‌ای سنتی بود که اشکانیان آن را پایه گذاشتند و این سنت توسط اردشیر بابکان در دوره قدرت‌گیری و گسترش قلمروی او ادامه یافت. شهر گور تا دوران اسلامی در دوره حکومت عضدالدوله دیلمی بر فارس، که نام آن به فیروزآباد تغییر می‌کند، اهمیت فراوانی داشته است. شواهد به‌دست آمده از حفاری‌های باستان‌شناسان نیز از رونق علمی و شهری فیروزآباد در آن دوران حکایت می‌کند.

یکی از شرایط این دوره، قلمروهای خارج از نفوذ اقتدار سیاسی و نظامی پارتیان در قالب دولت‌های محلی بود. این قلمروها از نظر داخلی مستقل و دارای گونه‌ای استقلال سیاسی بودند. از میان حکومت‌های محلی این دوره قدرت و اقتدار پارس بیش از دیگر بخش‌ها بود. دوره تلاش اردشیر برای استحکام پایه‌های حکومت ساسانی با چالش‌های اشکانیان با اقوام مهاجم شرقی و برخی از حکومت‌های محلی را دیگر همزمان بود. موقعیت استراتژیک شهر گور به عنوان نخستین پایگاه اردشیر بابکان به دلیل تصرف کرمان، یزد، اصفهان، خوزستان و عمان بود. سرانجام با آشکار شدن ضعف و انحطاط اشکانیان و ظهور اردشیر بابکان، اردوان پنجم اشکانی در جنگ با او کشته شد و سلسله ساسانی را در پارس رسماً بنیاد نهاد. (طبری، ۱۳۶۲: ۵۸۶-۵۸۰؛ ابن‌الاثیر، بی‌تا: ۱۹۹-۱۹۰؛ کریستین‌سن، ۱۳۱۷: ۱۰۶؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ۱/ ۲۳۸). منابع تاریخی و جغرافیایی بدون استثنا بر ساخته شدن شهر گور توسط اردشیر اتفاق نظر دارند. جورجینا هرمان نیز در این زمینه می‌نویسد: «اردشیر شهر بزرگ مدوری با حصارهای محکم بنا نهاد» (هرمان، ۱۳۷۳: ۸۴). بدین‌سان انتخاب شهر گور توسط اردشیر به‌عنوان خاستگاه سیاسی و نه دینی ساسانیان بیش از هر چیز متأثر از شروع یک مبارزه سیاسی با اردوان پنجم و در جایگاه یک حاکم محلی به دنبال تثبیت قدرت ملی است که موقعیت جغرافیایی شهر گور و حصار پیرامون آن و نیز احداث قلعه دختر که هم کاخ‌دژ و هم تنها معبر ورودی به دشت فیروزآباد بود، این دیدگاه را تقویت می‌کند. جابجایی پایتخت به‌عنوان مرکز تصمیم‌گیری حکومت در ایران، اگرچه برای نخستین‌بار در دوره هخامنشی روی داد، اما پس از هخامنشیان نیز در تاریخ سیاسی ایران تداوم یافت. تحرک‌پذیری و پویایی ایرانیان که یکی از شالوده‌های ژئوپلیتیک در دوره هخامنشی و پس از آن است، سبب شد تا هیچ‌گاه ایران دارای پایتخت ثابتی نباشد. پایتخت‌های متعدد هخامنشیان و سپس ساسانیان گواه این استراتژی است (بای، ۱۳۸۸: ۱۷-۱۶). «ساختن شهرها در حصار دایره‌ای شکل در زمان اشکانیان بسیار معمول بود» (واندنبگ، ۱۳۷۹: ۴۹).

اردشیر طرح این شهر را از دارابگرد که خود سابقاً مأموریتی رسمی در آن جا داشت، اقتباس کرد. شهر اخیر شاید به شکل اردوگاهی به منظور احتمال منازعاتی بین خاندان‌های فئودال، طوایف و قبایل ساخته شده بود (گیرشمن، ۱۳۸۰: ۳۲۵). گویا مؤسس سلسله ساسانی گاهی در شهر گور مقام می‌کرد که آن جا را اردشیرخوره نامید و باغ‌های مصفا و گلستان‌های روح‌افزا در اطراف آن احداث کرد (کریستین‌سن، ۱۳۱۷: ۵۸). در خصوص اردشیر چه در منابع تاریخی و چه از نام شهرهایی که با کلمه اردشیر به او منتسب شده، روشن می‌شود که نخستین شه‌ریار ساسانی، در امر شهرسازی اهتمام جدی به خرج داده است. از جمله «اردشیرخوره، ریو اردشیر، رام‌اردشیر که هر سه در پارس بودند» (همان). به‌مرور سنت شهرسازی اشکانی در آثار دوران سایر شه‌ریاران ساسانی تغییر و تحول می‌یابد که بیشاپور و دیگر شهرهای ساسانی گواه این ادعاست.

طرح این شهر عدم امنیت دائمی را که در ایران عهد پارتیان حکم‌فرما بود و عدم ثبات سیاست خارجی و اغتشاشات داخلی را آشکار می‌سازد (گیرشمن، ۱۳۸۰: ۳۲۴). طرح عمومی آن عبارت است از دایره‌ای که مبادی آن از اصول شهرسازی قدیم آسیای غربی اقتباس شده و نیز طرح اردوگاه‌های نظامی قدیم را - که در قشون آشوری متداول بوده به

خاطر می آورد. اردشیر گور را هنگامی بنا کرد که هدف جسورانه انتزاع تاج و تخت از اردوان پنجم را در سر داشت. وی پیش‌بینی می کرد در صورت شکست باید از خود در شهری مستحکم دفاع کند.

در زمان ساسانیان، پادشاهان ایران ایالت پارس را پنج قسمت نموده و هر قسمتی را «کوره» یا «خوره» می گفتند. در وجه تسمیه کوره، «فارسیان گفته‌اند کوره و خوره در اصل معنی نوری است که از جانب خدای تعالی فایض بر بندگان می شود که به وسیله آن تا در بر ریاست و بزرگی شوند (اسماعیل، ۱۳۴۹: ۱۹؛ قزوینی، ۱۳۷۳: ۹؛ فسایی، ۱۳۶۷: ۸۹۹؛ رازی، ۱۳۷۸: ۱). لسترنج، همین معنی را پذیرفته چنان که می گوید در زبان فارسی قدیم، کلمه «خوره» به معنی «روشنی» است و بنابراین ایالت اردشیرخوره و شاپورخوره به یادبود و افتخار اردشیر مؤسس سلسله ساسانی و پسرش شاپور نام گذاری شده بود (شوارتس، ۱۳۸۲: ۲۶۷). ابن بلخی نام گذاری کوره های پارس را از نام پادشاهانی که این کوره ها را بنیاد نهاده اند، مأخوذ می داند و می نویسد: «در زمان ساسانیان مملکت فارس را به پنج شهرستان (کوره) تقسیم کرده بودند که نخستین آن کوره اردشیر و کرسی آن شهر جور بود. اسامی کامل این پنج کوره بدین صورت بوده است: نخست کوره اردشیر و مرکز آن شهر جور بود که اکنون آن را فیروزآباد گویند. دوم کوره استخر و مرکز آن شهر استخر بود. سوم کوره دارابگرد که کرسی آن شهر داراب بود. چهارم کوره شاپور و مرکز آن شهر شاپور بود که اکنون ویرانه های آن در سه فرسخی شمال کازرون است. پنجم کوره قباد است و مرکز آن شهر ارگان (ارجان) بود (انصاری، ۱۳۵۷: ۳۰۲؛ ابن بلخی، ۱۳۶۳: ۱۲۲؛ حمداله مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۱۳؛ شیروانی، ۱۳۳۹: ۸۳۷؛ ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۷؛ قدامه بن جعفر، (بی نا): ۲۴۲؛ ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۲۸۶؛ فارسنامه ی نصری، ۱۳۶۷: ج ۲: ۱۹؛ زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۲۳؛ فرصت شیرازی، ۱۳۶۲: ۲۸۰؛ لسترنج، ۱۳۶۲: ۲۶۷؛ بارتولد، ۱۳۷۲: ۱۷۳؛ سامی، محلاتی و بهروزی، ۱۳۳۳: ۲۲).

شهر گور در دوره ی ساسانی و حتی سده های نخستین اسلامی، مرکز کوره (معادل شهرستان) اردشیرخوره بود. مسلمانان پس از تصرف فارس، تقسیمات سیاسی پیشین به پنج کوره را از ساسانیان به ارث بردند و این تقسیم بندی تا زمان هجوم مغول باقی و برقرار بود. استخری در این زمینه می نویسد: «اردشیرخوره دومین ولایت بزرگ فارس به شمار می رفت و مرکز آن جور بود» (استخری، ۱۳۶۸: ۹۷). این شهر در ۱۲۰ کیلومتری جنوب شیراز قرار گرفته و «در اواخر دوره پارتی به دستور اردشیر بنا شده است» (همان: ۹۶).

مدتی جور مرکز تمام فارس به شمار می رفت. استخری می گوید: «استخر مقرر قدرت حکومت فارس بود تا این که اردشیر آن را به جور منتقل کرد» (همان: ۹۷). اردشیر بانی تمام تأسیسات شهر اردشیرخوره یا گور است (شوارتس، ۱۳۸۲: ۸۷). گستره ی جغرافیایی ولایت اردشیرخوره از روزگار ساسانیان تا سده های نخستین اسلام، محدوده های از شیراز تا دریای پارس و جزایر جنوبی از خارک تا قشم و از خاور به دارابگرد و از باختر به بیشاپور و کازرون می رسید (سامی، ۱۳۴۲: ۲۲۴). یکی دیگر از مهم ترین شهرهای ولایت اردشیرخوره، به ویژه در ادوار بعدی حکومت مسلمانان، شهر بندری سیراف بود که ویرانه های آن نزدیک آبادی طاهری کنونی قرار دارد.

اهمیت اقتصادی و تجاری خلیج فارس سبب شد که اردشیر ساسانی، تصرف شهرهای بندری را سرلوحه فتوحات خویش قرار دهد و پس از انضمام بخش‌های زیادی از این منطقه به قلمرو خویش، شهرهای جدیدی تأسیس کند و یا به آبادانی و بازسازی شهرهای قدیمی اقدام ورزد. در کارنامه اردشیر بابکان چگونگی احداث یکی از این شهرها در کرانه خلیج فارس بدین شرح آمده است: «چونش دریا به چشم بدید، اندر یزدان سپاس داری انگارد، و بدان جا روستایی را بُخت اردشیر نام نهاد و ده آتش بهرام بر دریا فرمود نشاستن.» (هدایت، ۱۳۴۲: ۱۸۳-۱۸۲). به گزارش طبری، اردشیر هشت شهر بنا کرد (طبری، ۱۳۷۵: ۵۸۵). در میان شهرهایی که اردشیر بنا کرد، علاوه بر بُخت اردشیر (بوشهر امروزی)، باید از شهرهای ریو اردشیر (احتمالاً همان ریشهر در بندر بوشهر)، کوجران اردشیر (در ساحل شمالی خلیج فارس و در مقابل جزیره کیش) و بتن اردشیر (در ساحل جنوب خلیج فارس و مقابل جزیره بحرین) در کرانه خلیج فارس یاد کرد (Whitehouse and Williamson, 1973: 32). احداث و بازسازی شهرها، تسلط ساسانیان را بر فعالیت‌های اقتصادی و نظامی خلیج فارس تثبیت نمود و دروازه‌های بازرگانی برای واردات و صادرات کالا به شهرهای پس‌کرانه‌ای قلمرو ساسانیان فراهم آورد. تاریخ شهر گور بدون مطالعه جنبه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی آن، چندان جای تحلیل و تفسیر ندارد، چراکه حوادث و کنش‌های سیاسی و اجتماعی بشر در طول تاریخ با توجه به شرایط مکانی و زمانی توأمان شکل گرفته و با مختصات این دو عامل شاکله خود را هماهنگ کرده است. قرار گرفتن شهر گور در مسیر تاریخ به میزان زیادی مرهون ارزش‌های ژئوپلیتیکی آن است.

ارسطو که خود در دوره‌ی دولت‌شهر آتن می‌زیست، این‌طور تصور می‌کرد که بهترین موقعیت جغرافیایی برای یک منطقه، زمانی فراهم می‌شود که اراضی آن جلگه‌ای بوده و با بلندی‌هایی محصور شده باشد، به نحوی که ساکنان آن بتوانند در صورت لزوم از خود دفاع کنند. وی هم‌چنین وجود یک بندر طبیعی خوب را لازمه توسعه تجارت دریایی می‌دانست. ویژگی‌هایی که شهر گور به همراه خود داشت و یکی از راه‌های بازرگانی جنوب ایران از گور به بندر سیراف (طاهری کنونی) منتهی می‌شد. احتمالاً سیراف در دوره ساسانی نقش ویژه‌ای در حفاظت از منافع شهر گور، مرکز حکومت اردشیر اول، ایفا می‌کرده است (Matheson, 1976: 247). شهر سیراف در اواخر دوره ساسانی منطقه‌ای گمرکی بوده که بر رفت‌وآمدهای دریایی نظارت داشته و امنیت خلیج فارس را تأمین می‌کرده است. (Daryaei, 2003: 3). با این تفاسیر شهر گور تبدیل به یکی از شهرهای مهم در حیات اقتصادی ایران گردید.

۳. معماری شهر گور

تأسیس و ایجاد شهرها و مراکز سیاسی در دوره‌ی ساسانی نقش بسیار مهمی در ایجاد وحدت سیاسی ایفا می‌کردند و شهر گور نیز به مرکزی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مبدل گشت. این شهر از زمان ساسانیان شهری بزرگ و به اندازه‌ی شهر استخر وسعت داشته است. شکل شهر به بیان لینچ بر اساس سه عامل طبیعی، مصنوعی و انسانی ایجاد می‌شود (لینچ، ۱۳۸۱: ۳). «دیوارهای شهر از باروی گلی دوگانه و یک خندق تشکیل می‌شد و محوطه‌ای به قطر دو کیلومتر را در میان گرفته بود. شهر با استفاده از دو محور فرضی دقیقاً به چهار قسمت تقسیم شده و در مرکز زوایایی

راست تشکیل داده بود. هر یک از این چهار بخش نیز مورد تقسیم مجدد قرار گرفته بود» (هرمان، ۱۳۷۳: ۹۵). دیری نپایید که شهر، با حصارهای مستحکم و بلند و دروازه‌های متعدد که ایمنی و حفاظت شهر را تأمین می‌کرد محصور گردید. در این زمان به علت گسترش جمعیت و رفت و آمدها، پلهایی ساخته شد که بقایای آن اکنون نیز پابرجاست. شهر گور دارای کاربری متفاوت از دیگر شهرها بود. به این ترتیب، منطقه کار و تجارت مردم عادی از منطقه‌ی حکومتی یا بناهای کشوری مانند اداره، آتشگاه و رصدخانه جدا بودند.

مورخان و جغرافی‌دانان به سبب اهمیت فراوان و موقعیت بی‌نظیر شهر گور، چه پیش از اسلام و چه در دوران اسلامی، هر یک به‌نحوی به توصیف آن پرداخته‌اند. باشد که این نبشته‌ها، طرحی هرچند نه درخور گذشته باستانی شهر، ارائه دهند و نقشی از سیمای گور در گذر زمان را بازآفرینی و بازگو کنند. استخری ساختار شهر را این‌گونه توصیف می‌کند: «این شهر تقریباً به وسعت استخر، شاپور و دارابگرد است و دارای حصاری خاکی و یک خندق است. گرد ساخته شده و چهار دروازه دارد: در شرق، باب مهر؛ در غرب، باب بهرام؛ در شمال، باب هرمز؛ در جنوب، باب اردشیر. در مرکز شهر بنایی است شبیه یک سکو که اعراب آن را طربال و ایرانی‌ها ایوان و کیاخَره می‌نامند. این بنا توسط اردشیر از گچ و سنگ ساخته شده و آن قدر بلند و رفیع بوده که انسان می‌توانسته از قله آن تمام شهر و اطراف را ببیند. اکنون ویران شده است» (استخری، ۱۳۶۸: ۱۱۰). کتاب صورالارض علاوه بر مطالب استخری، این مطلب را نیز اضافه می‌کند: «این ایوان، نظیر ایوان شهر بلخ است» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۴۹). فارس‌نامه‌ی ابن‌بلخی، شهر گور را این‌چنین توصیف می‌کند: «اردشیر، شهر فیروزآباد که اکنون هست بنا کرد و شکل آن مدور است، چنانکه دایره پرگار باشد و در میان شهر آنجا که مثل نقطه پرگار باشد، ده‌ای انباشته برآورده است، نام آن «ایران گرده» و عرب آن را طربال گوید» (ابن بلخی، ۱۳۶۳: ۳۳۴). آثار عجم شهر گور را این‌گونه توصیف می‌کند: «آن شهر مدور بوده حصار عظیم و خندقی عمیق داشته و مناری در وسط شهر برپا و عمارات عالیه در اطراف آن منار ساخته بوده، آن منار مربع است تمام از گچ و سنگ. این بنیان عمارت را سابق یعنی در زمان اردشیر «طربال» می‌نامیدند و معنی آن ایوان است و منار مذکور را ستون ایوان می‌خوانده‌اند» (فرست‌الدوله شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۱۱). آندره گدار، در ضمن بیان توصیفات استخری و ابن‌بلخی می‌نویسد: «این‌ها قدیمی‌ترین و بهترین توصیفات است که از آتشگاه گور در اختیار داریم لکن با همه‌ی آنچه گفته شد، باید اقرار کنیم که مطالب یادشده چندان هم صحیح و قابل‌اعتماد نبوده است و بازیابی و پیاده کردن آن‌ها خالی از اشکال نیست. جای شک نیست که استخری و ابن‌بلخی دو بنای نزدیک به هم را با یکدیگر اشتباه کرده‌اند؛ یعنی برج رفیعی که در حال حاضر به منار شهرت دارد و از نظر هندسی در مرکز شهر قرار گرفته و خرابه‌هایی که امروزه تخت‌نشین و سابق بر این همان‌گونه دیدیم به آن طربال، ایوان گرده، کیاخوره، گنبد کیرمان می‌گفته‌اند» (گدار، ۱۳۷۱: ۲۵).

۴. شاخصه‌های هنر و تمدن ایرانی در معماری شهر گور ساسانی

شهر گور طبق نقشه‌ای منظم و به طریق شبکه‌بندی مدور بنیاد گردید و در مرکز آن مناره‌ای چهارضلعی، که هنوز به‌رغم زمین لرزه‌های مکرر، باد، باران و گذر زمان، عظمت دیرین آن را از یاد نبرده، ساخته شد.



تصویر ۱. تصویر مناره مرکزی شهر گور. (منبع: نگارنده)

در شهر گور و پیرامون برج مرکزی آن آثار متعددی وجود دارد که عبارت‌اند از: الف) نقش چهار شاهزاده ساسانی شهر گور: این شهر مملو از نقاشی‌ها و تصاویر باستانی از دوره ساسانی است. کشف نقش چهار شاهزاده ساسانی به همراه کف منقوش رنگی از این دوره، بخشی از شگفتی‌های شهر گور است که با گذشت بیش از ۲۰۰۰ سال، رنگ‌های به‌کار رفته در این کف همچنان سالم هستند و توجه ساسانیان را به استفاده از رنگ‌های متنوع در معماری نشان می‌دهند. نقش چهار شاهزاده ساسانی، دو زن و یک مرد جوان را به همراه یک نوجوان نشان می‌دهد که با لباس‌های اشرافی در کنار یکدیگر ایستاده‌اند.



تصویر ۲: نقش شاهزادگان ساسانی در شهر گور. منبع: نگارنده)

رنگ‌های به‌کار رفته در این نقاشی بیشتر سبز و قرمز آخراپی است و سبک نقاشی نشانگر تأثیر هنر اوایل دوره‌ی ساسانی از سبک هنری اشکانی است. ب) رصدخانه‌ی شهر گور: کاوش‌های باستان‌شناسی در این شهر نخستین بار

توسط دیتریش هوف، باستان‌شناس آلمانی، آغاز شد. پیش از هوف، «استین نیز از گور دیدن کرده بود» (واندنبگ، ۱۳۷۹: ۴۸).

پروفسور هوف در حفاری به سازه‌ای دایره‌ای شکل رسید که پس از مطالعه، مشخص شد قدیمی‌ترین نمونه از رصدخانه‌های به‌دست‌آمده در ایران است. کهن‌ترین رصدخانه ایران، بنا بر تحقیقات آنوپانینی در کنار نقوش رنگی شاهزادگان ساسانی در شهر گور فیروزآباد قرار داشته است. این رصدخانه شاهکاری از دانش ایران در آن عصر محسوب می‌شود. برج ستاره‌شناسی پیداشده در شهر گور، از خشت و گل و کاملاً سالم است. قطری نزدیک ۵/۶۵ متر دارد که روی آن، ۱۲ نشانه از علامت‌های به کار گرفته‌شده در اندازه‌گیری‌های رصدی و سکوهایی نموداری، هست. احتمال می‌رود که سازه دایره‌ای شکل شهر گور برای نصب دستگاه‌های سینوسی به کار می‌رفته و بلندی دیواره‌های آن که بدون سقف بناشده، نزدیک ۶۵ سانتی‌متر بوده است. فارس در سده‌ی چهارم هجری قمری، مرکز بزرگی برای ستاره‌شناسی است. بر پایه‌ی اسناد تاریخی، امیر عضالدوله دیلمی در دوران حکومت خود در فارس، منشی معروفی به نام عبدالرحمان صوفی را به سمت استاد ریاضی و اخترشناسی به شهر گور می‌آورد. صوفی رصدهایی را در شیراز انجام داده و تاریخ‌نویسان گفته‌اند که برای زمانی در شیراز به انجام محاسبات نجومی سرگرم بوده است. حتی ابوریحان بیرونی نیز نوشته که رصد دایره‌البروج با وسیله‌ای به قطر ۱۲۳ سانتی‌متر در شیراز انجام شده که آن وسیله را در سازه‌ی به‌دست‌آمده در شهر گور، کار می‌گذاشتند.

ج) دروازه تخت‌نشین: از جمله یافته‌های مهم باستان‌شناسی در شهر گور، کشف دروازه تخت‌نشین بوده است. در فاصله تقریبی صد متر در شمال شرق مناره شهر گور، «پرستش‌گاهی بر روی تختگاهی ساخته شده بود، که امروزه آن را تخت‌نشین می‌نامند» (واندنبگ، ۱۳۷۹: ۵۰). تختگاهی مربوط به یک کاخ یا پرستش‌گاه باستانی از سنگ‌های گران وزن دیده می‌شود، که سبک حجاری، اندازه و نصب آن‌ها بی‌شباهت به حجاری‌ها و کارهای دوره‌ی هخامنشی نیست. «تکه‌ای از یک ستون خاکستری‌رنگ مایل به سیاه با تراش شیاردار شبیه ستون‌های کاخ تچر تخت‌جمشید در کنار بقعه امامزاده جعفر، این حدس را تقویت می‌نماید که این تختگاه بنایی از دوران هخامنشی بوده که پس‌از آن، در زمان اردشیر نسبت به ترمیم و تجدید و گسترش آن اقدام شده است» (سامی، ۱۳۴۲: ۲۲۴).



تصویر ۳: دروازه شهر گور، دوره ساسانی، منبع: (نگارنده)

طول این تختگاه در حدود هشتاد متر و پهنای آن شصت و پنج متر است و در میان آن، چهارطاق بلندی به ارتفاع حدود هشت متر و نیم و پهنای بیست و شش متر با طاق‌های ضربی مسقف بوده است. بنای نامبرده در دوران اسلامی ویران شده است. زمان استخری (سده‌ی چهارم ه.ق) ویرانه‌ای بیش نبوده که به همان وضع آن را توصیف کرده است. امروز نیز حدود تختگاه تا حدی معین و مشخص، و مقداری از سنگ‌های آن ساختمان در همان اطراف پراکنده و برای رهگذری که بر فراز آن می‌ایستند، دوران شکوه و عظمت دیرینی را حکایت می‌کند. (د) برج مرکزی شهر گور: از دیگر زیبایی‌های شهر گور به جز شبکه‌بندی‌های منظم، آب‌ناها و اماکن عمومی، به برج مرکزی این شهر می‌توان اشاره کرد. در نقطه‌ی مرکزی شهر گور، مناری ۴ گوشه‌ی مصالح لاشه‌سنگ و ملاط گچ به ارتفاع ۳۰ متر احداث گردیده است. در خصوص ساخت این منار نظریه‌های گوناگونی به شرح زیر ارائه شده است. ۱. منار به‌عنوان سمبل قدرت پادشاه ۲. منار، جهت دایره در آوردن و ساختن شهر ۴. محل ارتباط با قلعه دختر جهت اطلاع از حملات دشمن ۵. محل نیایش.

شهرهای تاریخی در ایران در حقیقت مجموعه‌های همبسته و همگنی بوده‌اند که توسعه کالبدی - فضایی آن‌ها متأثر از روابط تولیدی و مناسبات اجتماعی و اقتصادی محدودشان بود. شاهنشاهان ساسانی از اسرای رومی برای توسعه شهرها استفاده می‌کردند. شاپور اول و خسرو اول، این اسرا را معمولاً به شهرهای جدیدالتأسیس انتقال می‌دادند (Procopius, Book II, xIII: 4-13; Huyse, 199:22. 30. 37-43). دریایی در کتاب «شاهنشاهی ساسانی»، اسیر گرفتن مهندسان، کارگران ماهر و صنعتگران رومی و انتقال آنها به شهرهای نوساز و قدیمی، هم بر جمعیت شهرها می‌افزود و هم باعث آموزش کارگران ایرانی می‌شد (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۱۳ و ۱۲۱). بنابراین ایجاد شهرهای جدید

توسط ساسانیان، از سویی باعث توسعه صنایع جدید و شکوفایی پیشه‌ها می‌گردید (شیپمان، ۱۳۸۴: ۹۶) و از سویی باعث ایجاد شغل و حرفه‌های متعدد می‌شد (chaumont, 1986, Encyclopaedia.org).

شهر گور، به علت موقعیت خاص جغرافیایی خود، که راه شیراز به بندر باستانی سیراف از همین شهر می‌گذشته است، در طول حیات خود به‌عنوان بازار مبادلات کالا از اهمیت خاصی برخوردار بوده و از جهت تولید عطر شهرت جهانی داشته است. استخری در زمره اقلام صادراتی فارس می‌گوید: «گلاب در جور تولید می‌شود، و آن را به ساحل می‌برند و بین حجاز، یمن، شام، مصر، مغرب و خراسان تقسیم می‌کنند. در جور آب طلع (شکوفه خرما) فراهم می‌آید که این محصول منحصر به فیروزآباد می‌شود. علاوه بر آن عرق زعفران، بید و روغن در این شهر به دست می‌آید که بر محصولات مناطق دیگر برتری دارد» (استخری، ۱۳۶۸: ۱۳۳). استخری کشورهای اسپانیا، چین و هند را نیز از خریداران گلاب جور می‌شمارد و مدعی است که این گلاب بر انواع خود برتری دارد (شواتس، ۱۳۸۲: ۸۹). در ترجمه مختصرالبلدان آمده است: «از آبادی‌های پارس، شهر گور است که در آن گلاب جوری گیرند و از آنجا به همه شهرها برند» (ابن‌فقیه، ۱۳۴۷: ۱۸).

به همین ترتیب قزوینی هم از گل‌های سرخ فراوان و ممتاز فیروزآباد توصیف بسیار کرده و می‌نویسد: «بهترین انواع گل سرخ که شهرت عالم‌گیر داشته، در باغ‌های این شهر به‌اندازه بسیار موجود است و یکی از صادرات عمده این شهرستان در عهد باستان گلاب بوده است» (سامی، ۱۳۴۲: ۲۲۴). نویسنده‌ی حدودالعالم نیز به صادرات گلاب و عرقیات شهر گور اشاره کرده است: «گور شهری است خرم، اردشیر بابکان کرده است و مقر او بودی و از وی گلاب جوری خیزد که به همه جهان ببرند و از وی آب طلع و آب قیصوم خیزد که به همه جهان ببرند و جایی دیگر نباشد» (حدودالعالم، ۱۳۶۲: ۱۳۲-۱۳۰). مقدسی نیز اشاره می‌کند که «از گور، گلاب بی‌مانند و پارچه بسیار خیزد» و اضافه می‌کند «گلاب و فراورده‌های دیگر گور از شهرهای دیگر برتر است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۳۰). ثعالبی در مورد اهمیت گلاب جور می‌نویسد که گلاب جور آن قدر اهمیت داشته که حتی همه‌ساله، طبق یک سنت دیرینه، به درگاه انوشیروان نیز فرستاده می‌شد «کارگزار ناحیه جور به او گزارش داد که در این سال سرما گل‌ها را زده است، گلاب نتوان گرفت تا چنان که هر ساله مقرر است به درگاه فرستاده شود. بر آن گزارش نگاشت: دین و تن سلامت بماند که تسلی‌بخش از دست شدگان است چه غم اگر گل آفریده نمی‌شد؟» (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۹۲). گلاب جور چنان معطر بوده که به گیتی ضرب‌المثل شده است. ثعالبی می‌نویسد: «گلاب جور تعریف دارد و در خوش‌بویی بدان مثل زنند و آن را به اقصای شرق و غرب برند و در آن باب سخن بسیار گفته‌اند» (همان). ابن‌رومی در وصف انگور رازقی، آن را در صفا و خوش‌بویی به گلاب جور تشبیه کرده گوید:

قَدْ ضَمِنَتْ مِشْكَأً إِلَى السُّطُورِ وَ فِي الْأَعَالَى مَاءَ وَرْدٍ جُورِي

(محمدآبادی، ۱۳۵۷: ۲۰۹)

قلم از مصر بود بود گل از جور دویت از عنبرین عود سمندور

(فخرالدین اسعد گرگانی)

قزوینی در این باره نوشته است، گل سرخ بسیار معطری در آنجا به هم می‌رسد که شعرا بدان مثل زند چنان که شاعر گوید:

اطیب ریحاً من نسیم الصبا جائت بریا الورد من جور (قزوینی، ۲۳۶: ۱۳۷۳)

ابن رومی در جای دیگر اشاره می‌کند: «عده‌ای از مردم این شهر [جور] در ساختن آیین و مجمعه [سینی بزرگ] و دیگر ابزار آهنین ماهرترین مردم بوده، عده‌ای هم در ساختن عطریات تخصص داشته‌اند. چه از گل سرخ جوری و گل صدف اصفهان که ظاهراً اصل آن‌ها از هند است، بهترین گلاب‌ها را به دست می‌دادند و شیشه‌های این عطر را به سراسر جهان به‌خصوص به هندوستان، چین، عربستان و اندلس صادر می‌کردند» (محمدآبادی، ۱۳۵۷: ۴۷). با این تفاسیر باید گفت بازشناسی آثار موجود در شهر گورساسانی به خوبی آشکارکننده فرهنگ و تمدن ایرانی در این مقطع تاریخی است.

نتیجه‌گیری

شهر گور از مهم‌ترین شهرهای ایالت فارس محسوب شده و هویت و شهرت سرزمین فارس از گذشته دور به واسطه این شهر و چند شهر بزرگ دیگر مانند پارسه، استخر، بیشاپور و دارابگرد بوده است. شهر گور به دلیل قرارگیری در کنار رود تنگاب، زمین‌های حاصلخیز، آب‌وهوای خوب و قرار گرفتن در مسیر جاده تجاری شیراز به بندر سیراف، دارای اهمیتی فراوان است؛ به طوری که بیشتر جغرافی‌دانان به ارزیابی جغرافیای طبیعی، آب‌وهوا و شرایط مستعد آن پرداخته‌اند و این سرزمین را به‌عنوان یک منطقه مهم ستوده‌اند. بنابراین شناخت شهر گور، صرفاً شناخت یک جغرافیا نیست؛ بلکه بازشناخت ارزش‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، هنر و معماری برشی از تاریخ است که از ذهن به عینیت درآمده و در قالب زیستگاه مردمی، شبکه‌بندی‌ها، خیابان‌ها، اماکن عمومی، آتشکده و رصدخانه مجسم شده است. این برآیند خود متأثر از رویارویی و تعاملات فرهنگی و روابط نیروهای ساکن (مادی و معنوی) در جغرافیای تاریخی شهر گور است. نکته پایانی این که گور را می‌توان از معدود آثار تاریخ معماری و شهرسازی جهان دانست که تمایل به ثبت جهانی آن نه تنها گویای تحسین و احترام نسبت به پیشینیان، بلکه به‌عنوان سند تکامل فرم‌های برجسته‌ی فنی و معماری در تاریخ جهان خواهد بود. ارزش بازمونده‌های این شهر را آنگاه خواهیم دانست که به یادآوریم این بنا نخستین شهر دایره‌ای منظم شناخته‌شده‌ی جهان و بازتاب آن دسته از آفرینش‌های معماری هستند که طی سده‌ها، با تبادل فرهنگی بین مردمان مختلف پدید آمده‌اند.

منابع:

کتاب‌ها:

- ابن بلخی. (۱۳۶۳). فارسنامه. به کوشش گای لسترنج و رینولد نیکلسون، چاپ دوم، تهران: دنیای کتاب.
- ابن بلخی. (۱۳۷۴). فارسنامه. توضیح منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد. (۱۳۶۶). صورة الارض. ترجمه جعفر شعار، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر،
- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن اسحاق همدانی. (۱۳۴۷). ترجمه مختصر البلدان (بخش مربوط به ایران). ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن قدامه، ابی فرج. (بی تا). کتاب الخراج و صنعه الکتابه. ضمیمه مسالک الممالک ابن خردادبه. تهران: بی نا.
- استخری، ابراهیم. (۱۳۶۸). مسالک الممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی.
- اسماعیل، عمادالدین. (۱۳۴۹). تقویم البلدان. مترجم عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اصفهانی، حمزه بن حسن. (۱۳۴۶). تاریخ سنی ملوک الارض و انبیا. ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- انصاری، شمس‌الدین محمد بن ابی طالب. (۱۳۵۷). نخبه‌الدهر فی عجایب البر والبحر. ترجمه حمید طبیبیان، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.
- بارتولد، واسیلی. (۱۳۷۲). جغرافیای تاریخی ایران. ترجمه حمزه سردادور، چاپ سوم، تهران: توس.
- بای، یارمحمد. (۱۳۸۸). ژئوپلیتیک تاریخی ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۷۷). یشت‌ها. تهران: اساطیر.
- ثعالبی، عبدالرحمان بن محمد. (۱۳۶۸). تاریخ ثعالبی. ترجمه محمد فضایی، تهران: نقره.
- حموی، یاقوت. (۱۳۷۵). معجم البلدان. بیروت: دار صادر.
- خسروی، میرزا محمد باقر (۱۳۷۴). شمس و طغری، تهران: کوشش.
- دریایی، تورج (۱۳۸۳). شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
- رازی، امین احمد. (۱۳۷۸). هفت اقلیم. مترجم سید محمدرضا طاهری (حسرت)، تهران: علمی.
- زرکوب شیرازی، احمد بن ابی‌الخیر. (۱۳۵۰). شیرازنامه. تصحیح اسماعیل واعظ جوادی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- سامی، علی. (۱۳۴۲). تمدن ساسانی، شیراز: چاپخانه موسوی.
- سامی، محلات. (۱۳۳۳). تاریخ پارس در عهد باستان، شیراز: کتاب‌فروشی محمدی.

- شوارتس، پاول. (۱۳۸۲). جغرافیای تاریخی فارس. ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- شیپمان، کلاوس. (۱۳۸۴). مبانی تاریخ ساسانیان. ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران: فرزانه روز.
- شیرازی، فرصت. (۱۳۶۲). آثار عجم، (بی‌جا): بامداد.
- شیروانی، زین‌العابدین. (۱۳۳۹). ریاض‌السیاحه. تصحیح اصغر حامد ربانی، تهران: انتشارات سعدی.
- شیروانی، زین‌العابدین. (بی‌تا). بستان‌السیاحه. تهران: کتابخانه سنایی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۶۲). تاریخ بلعمی، ترجمه: ابوعلی بلعمی، تهران: سروش.
- فسایی، حسن بن حسن. (۱۳۸۲). فارسنامه ناصری. به کوشش منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
- قزوینی، محمد بن زکریا. (۱۳۷۳). آثارالبلاد و اخبار العباد. ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، تهران: امیرکبیر.
- کریستن‌سن، آرتور. (۱۳۱۷). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی، تهران: بی‌نا.
- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۷۵). پایتخت‌های ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- گدار، آندره. (۱۳۷۱). آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سرو مقدم، چاپ دوم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- گیرشمن، رمان. (۱۳۸۰). ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین، چاپ سیزدهم، تهران: علمی و فرهنگی.
- لسترینج، گی. (۱۳۶۴). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۱). تئوری شکل شهر. ترجمه سید حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مجم‌التواریخ و القصص. (بی‌تا). تصحیح ملک‌الشعراء بهار؛ به‌همت محمد رضانی، (بی‌جا): (بی‌نا).
- محمدآبادی، باویل. (۱۳۵۷). ظرایف و طرایف، تبریز: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی.
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۲). نزهةالقلوب. تصحیح گای لسترینج، تهران: دنیای کتاب.
- مسعودی، علی بن الحسین. (۱۴۰۹). مروج‌الذهب. تحقیق اسعد داغر، قم: دارالهجره.
- مصاحب، غلامحسین. (۱۳۹۲). دایره‌المعارف، تهران: امیرکبیر.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد. (۱۳۶۱). احسن‌التقاسیم و معرفه الاقالیم. ترجمه علی نقی منزوی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- مؤلف مجهول، (۱۳۶۲). حدود العالم من المشرق الی المغرب. به کوشش منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه طهوری.
- نوروزی، رضا. (۱۳۸۴). بررسی باستان‌شناسی فیروزآباد. شیراز: دانشنامه فارس و سازمان میراث فرهنگی فارس.

- واندنبگر، لوئی. (۱۳۴۵). باستان‌شناسی ایران باستان. تصحیح عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران.
- هدایت، صادق. (۱۳۴۲). زند و هومن یسن و کارنامه اردشیر پاپکان. چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- هرمان، جورجینا. (۱۳۷۳). تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان. ترجمه مهرداد وحدت، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- هوف، دیتريش. (۱۳۶۵). شهرهای ساسانی. در نظری اجمالی به شهرسازی و شهرنشینی در ایران، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران: هما.
- هوف، دیتريش. (۱۳۶۶). «فیروزآباد» شهرهای ایران. ترجمه کرامت‌الله افسر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

منابع لاتین:

- Daryaei, T. (2003). The Persian Gulf trade in late antiquity. *Journal of World History* 14(1): 1-16.
- Huyse. P. (1999). Die driesprachige Inschrift Sabuhrs I. an der kaba-I Zardust (SKZ). Band I, Londers, SOAS, (Corpus Inscriptionum Iranicarum. Part I I I, Pahlavi Inscriptions).
- Matheson, S. A. (1976). *Persia: An archaeological guide*. London: Faber.
- Procopius. (2005.) *History of The Wars: The Persian War*, translate H. B. Diwing, E.text prepared by Jonathen Ingram, Jayam, and the Project Gutenberg Online Distributed Proofreading Team ([Http://www.Pgdp.net/](http://www.Pgdp.net/)). Whitehouse, D., & Williamson, A. (1973). Sasanian maritime trade. *Iran* 11: 29-49.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی